

جایگاه زیارت در ادبیات فارسی

میشم محتاجی*
مرتضی انفرادی**

چکیده

هنر، زبان گویا و آینه فرهنگ و تمدن جامعه انسانی است و گفتار و رفتار هنرمند در اندیشه و سبک زندگی مردم بسیار تأثیرگذار است. هنرمندان مسلمان نیز خدا، انسان و جهان را با قرآن کریم و سخنان پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام شناخته‌اند و تحت تأثیر این منابع گهربار، اندیشه‌های خود را در قالب آثار هنری آفریده‌اند.

ادبیات از آنجا که برخاسته از زبان مردم است، جایگاه ویژه‌ای در میان هنرهای دیگر دارد و می‌تواند بیشترین تأثیر را بر مخاطبان خود بگذارد. با ظهور اسلام، ادبیات و شعر، پیش‌تر و بیشتر از هنرهای دیگر در خدمت گسترش و پیشبرد اهداف دین اسلام قرار گرفت در ادبیات فارسی نیز سنایی غزنوی پرچمدار ادبیات اخلاقی و دینی شد.

زیارت امامان: گونه‌ای توسل و اظهار محبت به این بزرگواران است که هم راهی برای رسیدن به خداست و هم انسان را در مسیر شناخت قرار می‌دهد؛ از این رو همواره مساجد و زیارتگاه‌ها جلوه‌گاه هنر اسلامی به‌ویژه شعر و ادبیات بوده‌اند.

در این نوشتار، جایگاه زیارت در شعر و ادب فارسی بررسی شده و در آن به مفاهیمی چون اخلاق اسلامی در بناهای اسلامی، رفتن به زیارت یا آرزوی زیارت، زیارت عاشقانه و تشویق زائران به زیارت اشاره شده است.

واژگان کلیدی: زیارت، ادبیات فارسی، شعر، زیارتگاه، مسجد.

- * پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی.
- ** مدرس دانشگاه و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دکترای فقه و حقوق.

مقدمه

در باب هنر و ادبیات

هنر، زبان گویا و ترجمان فرهنگ و تمدن هر جامعه انسانی است؛ چنان‌که آثار هنری به جای مانده در طول تاریخ، نگارخانه‌ای از آداب و رسوم و عقاید اقوام در جای جای کره خاکی است. هنر صاحبش را از دیگران متمایز می‌کند. بنابراین گفتار و رفتار هنرمند در اندیشه و سبک زندگی مردم بسیار تأثیرگذار است.

«این کلمه در واقع به معنای آن درجه از کمال آدمی است که هوشیاری و فراست و فضل و دانش را در بر دارد و نمود آن، صاحب هنر را برتر از دیگران می‌نماید» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه).

هنر، از مهم‌ترین ابزارهای است که نه تنها در زیباسازی محیط زندگی انسان به کمک او می‌آید، بلکه از این فراتر، پیام‌ها و عقایدی را که او نمی‌تواند به طور مستقیم با هم‌نوع خود در میان بگذارد، به زبانی فراگیر منتقل می‌کند. بنابراین «هرگاه به کمک نشانه‌های زبانی و مفهوم‌سازی‌های فلسفی، منطقی و علمی نتوانیم واقعیتی، رویدادی یا تجربه‌ای انسانی را تبیین کنیم و آن را به مخاطبان مورد نظر خود انتقال دهیم، بی‌درنگ متوجه ظرفیت‌های هنر می‌شویم. تاریخ هنر نشان می‌دهد که از هنر کاری ساخته است که از عهده هیچ ابزار بیانی دیگر بر نمی‌آید» (باوندیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

زیبایی انسان را در معرض تفکر و تعقل در جهان آفرینش قرار می‌دهد و او را به سوی شناخت هنرمند یکتایی که بهترین و تواناترین سازندگان و پرورندگان است، رهنمون می‌شود.

مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۳۹۳، ص ۵۳۵).

هنر، انعکاس دهنده زیبایی‌هاست و می‌تواند اندیشه‌های بزرگ بشری را جاودانه کند و آن

را به زبانی بیان کند که فراگیر و همه فهم باشد. هنرمند، می آفریند و آفریدن، چیره شدن بر پوچی و بی هدفی زندگی است؛ دریچه‌ای است به سوی جاودانگی و ماندگاری تفکری که هنرمند در آفریده خود منعکس کرده است.

آثار هنرمندان مسلمان، همچون دیگر آثار هنری، برخاسته از صور خیال است. اما خیالی ستایش شده که در شعر مولانا به «عکس مه‌رویان بستان خدا» تعبیر شده است (مولوی، ۱۳۶۳، دفتر اول، بخش دوم) و نه خیالی است که زائیده اندیشه مادی و غیرماندگار، دروغین و وهم‌انگیز باشد. «خیال ستودنی و صورت‌های خیالی که در تشبیه و محاکات صحیح به ظهور می‌آید، واسطه‌کننده شدن آدمی از عالم فانی می‌شود تا تعالی پیدا کند به اسم و صفتی که مظهر آن است» (مددپور، ۱۳۷۴، ص ۴۴). بنابراین می‌توان گفت هنر اسلامی در آموزه‌های ناب اسلام ریشه دارد و پشتوانه آن، اندیشه الهی پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. در حقیقت، هنرمند مسلمان الفبای خدانشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی را از قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر ﷺ و امامان ائمه اطهار آموخته‌اند و تحت تأثیر آن، به زبان هنر دانسته‌های خود را متجلی می‌سازد. «مسلمانان، تحت سیطره اندیشه‌های اسلامی به افکار، اعمال و ذوقیات خاصی دست یافتند که هنر، یکی از تجلیات آن شمرده می‌شود و با ریزش آموزه‌های نبوی و قرآنی در جان آنان و تحت انضباط خاص فکری و رفتاری، آثار هنری دوران اسلامی را شکل دادند» (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۴۹).

در میان هنرها، ادبیات جایگاهی ویژه دارد. آن ابزاری که احساس آدمی را بازگو می‌کند؛ به زبان و بیان خودش. در واقع، «ادبیات عبارت است از آن گونه سخنانی که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در خور ضبط و نقل دانسته‌اند و از خواندن و نوشتن آنها دگرگونه گشته‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و آلم کرده‌اند و این سخنان ناچار با سخنان مکرر و عادی تفاوت دارد و از آن سخنان برتر است» (زرین کوب، ۱۳۷۴، ص ۲۵). ادبیات برخاسته از زبان مردم است. پس جامعه با آن راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند.

زبان شاعران و سخنوران، زبان ذهن آنهاست و انتقال مفاهیمی بلند است که در مراحل عرفانی و پله‌های خدانشناسی به آن دست یافته‌اند.

«سرچشمه ادبیات را، نه به صورت شفاف و مدوّن، می‌توان در ابتدای کتاب آفرینش مشاهده کرد؛ زیرا محور فکری هر دو، احساسات و عواطف بشری است که همواره همزاد و همراه با آدمی بوده است؛ به همین جهت نسبت به دیگر آگاهی‌ها و یافته‌های علمی، قدمت زمانی بیشتری دارد» (حجازی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

با ظهور اسلام، ادبیات نیز همپای دیگر هنرها، در ترویج و تبیین این دین مبین، به خدمت گرفته شد. هنر اسلامی در چهارده قرن از پدیدآیی اسلام، شاعران و سخنوران بزرگی را به خود دیده است که همواره زبان دُر نشانشان جاودانه بر کتیبه دل‌های مسلمانان، سینه به سینه از نسلی به نسلی انتقال یافته و جلوه‌های بلند توحیدی را، آمیخته با محبت محمد و خاندان پاک‌نهادش که درود خداوند نکویاد بر آن صالحان باد (بر گستره گیتی متجلی ساخته است. به گواه تاریخ ادبیات، اشعار اسلامی از دیرباز با موضوع مذهب و زیارت پیوندی عمیق و ناگسستنی داشته است و با گذشت زمان، بر تطور آن افزوده شده است. در شعر اسلامی مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع زیارت، جلوه‌هایی موزون و رنگین دارد که این اشعار بیشتر با الهام از قرآن کریم، احادیث نبوی و روایات خاندان وحی سروده شده است. با نگاهی کلی و گذرا به روند تاریخ ادبیات درمی‌یابیم که توجه به موضوع زیارت با فراز و فرود فراوان همراه بوده است که علل آن را می‌توان در توجه حاکمان به این مبحث یا نوع حکومت و قدرت در اقبال یا ادبار شاعران به این مضامین، بررسی کرد (جلیلیان مصلحی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

بی‌شک، شعری که با دانش و شناخت همراه نباشید و پیامی را نرساند، ماندگار نیست و احساس، خیال و ذوق، تنها شرط لازم برای پویایی شعر نخواهد بود. و از سویی دیگر باروری عاطفه به تنهایی نمی‌تواند به سرودن شعر ناب و عالی منجر شود. ادبیات و شعر که با استفاده

از ظرافت هنر، برجستگی‌های مسائل معنوی و عرفانی و مصادیق آن را که مضمون زیارت از جمله آنهاست، در واژه‌های روح‌افزای خود به منصف ظهور می‌رساند.

درباره زیارت

زیارت در لغت، به معنای ملاقات و دیدار با شخص بزرگ و محترم است. تشریف قلبی به محضر کسی که نزد خداوند مقام و مرتبه‌ای ویژه دارد و نیز او را واسطه خود و خدا قرار دادن در طلب تقرب به درگاه حق تعالی، بخشایش گناهان و بر آمدن خواسته‌ها و رفع گرفتاری‌ها.

«زیارت، برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، قرار دادن خویشتن خویشتن است در حوزه روحانیت و فیض‌بخشی امام، و امام، انسانی است متعالی و خدانامی، با ابعاد وجودی گسترده، که بار معنوی‌اش را از آفریدگار می‌گیرد و واسطه رحمت و خیررسانی، به آفریده‌هاست. زیارت، حاضر شدن بر مزار مطهر چنین بزرگانی است که سراسر زندگی خود را به جهاد در راه خدا و دفاع از حقوق انسان و نشر اسلام راستین و توحید خالص گذاردند» (رکنی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

حضرت پیغمبر ﷺ، به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

ای ابا الحسن، همانا خدای تعالی قبر تو و قبرهای فرزندانست را بقعه‌ای از بقعه‌ها و میدان‌های بهشت قرار داده و خدا دل‌هایی را از آفریدگان و برگزیدگانش قرار داده که به سوی شما میل می‌کنند و درباره شما اذیت و آزارها را تحمل می‌کنند. سپس قبرهای شما را آباد می‌کنند؛ به واسطه نزدیکی آنان به خداوند جلّ و علا و دوستی برای رسول خدا. یا علی، اینان ویژگیان و مخصوصان به شفاعت‌من‌اند و اینان فردا در بهشت مرا زیارت می‌کنند» (دیلمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۲۶).

مولوی می‌سراید:

هر که خواهد هم‌نشینی خدا تا نشیند در حضور اولیا

(مولوی، ۱۳۶۳، دفتر دوم، بخش چهل و نهم)

زیارت ائمه اطهار، از شرایط شفاعت آنان در روز قیامت است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر امامی را پیمانی بر گردن اولیایش و شیعه‌اش می‌باشد. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان است تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود و در پیشگاه الهی پایمردی‌اش می‌نمایند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶).

زیارت امامان، گونه‌ای توسل به ایشان است و محبت آن بزرگواران را در پی دارد؛ در نتیجه زیارت، یکی از بهترین وسیله‌ها برای رسیدن به بلندای عشق است. بدون شک، زیارت از جمله موقعیت‌ها و فرصت‌هایی است که انسان را در مسیر شناخت قرار می‌دهد. از شناخت خود که زمینه و مقدمه خداشناسی است، گرفته تا شناخت خداوند که حادثه تغییر را در زندگی انسان‌های عارف به عرصه ظهور می‌رساند؛ شناختی که به حیات انسان معنا می‌بخشد و هدف او را در زندگی تعیین می‌کند. این تحفه گران‌بها که زائر می‌تواند در سفر زیارت به دست آورد، با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست. بنابراین هنرمندان مسلمان، به ویژه شاعران و سخنوران، توجهی درخور به این رکن از شعائر دینی داشته‌اند. در ادامه به تفکیک، شاهد مثال‌هایی برای این امر بیان خواهد شد.

مساجد و مزار رهبران دینی، تجلیگاه زبان و ادبیات فارسی

«خانه‌های پیامبران خدا و ائمه معصومین علیهم السلام، همه اماکنی شریف و مقدس و با حرمت است؛ چه در حیات و چه بعد از مماتشان؛ زیرا محل فرود فرشتگان و هبوط وحی و محل نزول رحمت خدا و برآمدن حاجات است؛ که اینان برگزیدگان خدایند و نزدیک‌ترین انسان‌ها

به آن ذات متعال و دور از گناه و اشتباه و واسطهٔ هدایت و فیض رسانی به مردم» (رکنی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۶۴).

در حقیقت، این مکان‌ها، قدمگاه انسان‌های پاک و وارسته است و خلوت انس عارفان به حق، مناجات‌خانهٔ اهل دل و میهمان‌خانهٔ دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام. بنابراین حضور در خانهٔ چنین بزرگوارانی، سبب معرفت خدای تعالی و رضایت حضرتش می‌شود.

معتبرترین و پرمخاطب‌ترین جلوه‌گاه آثار هنرمندان مسلمان، مساجد و مزارهای رهبران دینی است که همواره در درازنای روزگاران، گروهی از مذاهب اسلامی به آنها توجه داشته‌اند و حضور در آن را تشریفی روحانی برشمرده‌اند. «معماران مسلمان با دیدن هر زیبایی‌ای، آن را در خور اسما و صفات الهی می‌دانستند و از آن در آیینی‌ترین بنای اسلامی، یعنی مسجد، تضمین می‌نمودند. مسجد یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های پیدایش انواع هنر اسلامی است که به جنبهٔ آیینی هنرها در آن توجه شده است و هنر و دین در آن با یکدیگر درآمیخته است» (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵).

هنرمند مسلمان نمونهٔ دوستداران خداوند و اولیای اوست؛ پس عاشقانه برای ساختن و آراستن سرای محبوب تلاش می‌کند و همهٔ هنر خود را در این راه به کار می‌بندد.

طرب سرای محبت کون شود معمور که طاق ابروی یار منش مهندس شد
(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۱۶۷، ص ۲۲۵).

حافظ خاضعانه می‌گوید که آنچه هنرنمایی می‌کند، من نیستم؛ بلکه عشق یار، مهندس این همه زیبایی و آراستگی شده است.

«هنرمندان در اماکن مذهبی بیشترین هنر خود را صرف می‌کردند؛ چون جنبهٔ عمومی داشت و همهٔ افراد جامعه، از غنی و فقیر، یکنواخت از این اماکن استفاده می‌کردند. هنرمندان با خلوص نیت، هنر خود را پیشکش خدا می‌کردند و از حس زیبایی‌بینی که خداوند به آنها عنایت

کرده بود، هرچه در توان داشتند به پیشگاه خدایی که خالق همهٔ زیبایی‌هاست و آن را در دسترس اشرف مخلوقات خود قرار داده است، تقدیم می‌کردند» (ماهرالنقش، ۱۳۷۹، ص ۸۴). افزون بر جلوه‌گری عشق به معبود، اخلاق اسلامی نیز آشکارا در بناهای مذهبی خودنمایی می‌کند؛ یعنی هنرمند می‌کوشیده تا به دور از هر ادعایی، بهترین و زیباترین و کم‌نقص‌ترین اثر را خلق کند و همواره وجدان خود را حاضر و ناظر بر عملش می‌دیده، پس هرگونه سهل‌انگاری و کم‌کاری را از خود دور کرده است؛ در نتیجه فضایی سرشار از عشق و معنویات همراه با شور و آرامش برای مردم به یادگار گذاشته است. چنان‌که «در یک مسجد [یا مزار] انسان احساس نمی‌کند آسمان از بالا نزول می‌کند. در مسجد انسان در بی‌نهایت، یعنی در همین جا و هم‌اکنون، زندگی می‌کند و از قید هرگونه تمایل و کشش آزاد است. آن آرامش و استراحتی که از هر اشتیاق و میلی رهایی یافته است» (بوکهارت، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

آثار هنری موجود در زیارتگاه‌ها، چون ضیافتی از معنا، ذهن و روان مخاطب را سرشار از آرامش و نشاط می‌کند. در اماکن مذهبی، به ویژه حرم معصومان، زائران با هنرهای گوناگونی از جمله ادبیات سر و کار دارند و هر یک از این هنرها در جایگاه خود، تأثیر مثبتی بر خودآگاه و ناخودآگاه افراد دارد. «متن بسیاری از کتیبه‌ها آیات کریمهٔ قرآن، احادیث نورانی نبوی و سخنان گهربار ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام است و متن بسیاری دیگر، اشعاری متین و مستحکم در قالب قصیده، قطعه، غزل و رباعی است» (غفورزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

شاعران و سخنوران پارسی‌گوی نیز به پاسداشت بزرگواری و انسانیت بزرگان دین، مقابلهٔ ایشان را نیز محل فرود فرشتگان و صعود دل‌های عاشق به بلندای معرفت می‌دانند و با به‌کارگیری هنر زبانشان، زیبا سروده‌هایی تقدیم کرده‌اند.

شمع بیش شود از خاک شهیدان روشن نرگس از تربت این طایفه بینا خیزد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۴، غزلیات، ش ۳۴۱۰)

حکیم سنایی، درباه حرم حضرت رسول ﷺ
کرده بی گرم و سرد و بی تر و خشک تربتش تربت عرب را مشک
(سنایی، ۱۳۷۵، باب سوم)

و نیز نظامی در شرف نامه، حرم پیامبر ﷺ را زیارتگاه انسان های پاک دانسته و می گوید:
زیارتگه اصل داران پاک ولی نعمت فرع خواران خاک
(نظامی، ۱۳۸۲، بخش ۳)

سنایی، که شاید بتوان او را اولین کسی دانست که اخلاقیات را وارد شعر فارسی کرد
و لفظ و معنا را به درجه کمال رسانید و دشوارترین معانی را در قالب ترکیب های تازه و
خوش آهنگ پروراند،^۱ در وصف منزلت بارگاه امام رضا علیه السلام سروده است:

دین را حرمی است در خراسان دشوار تو را به محشر آسان
از معجزه های شرع احمد از حجت های دین یزدان
(سنایی، ۱۳۷۵، قصاید، ش ۱۳۹)

همچنین نمونه هایی از دیگر شاعران:

ای باد صبا غالیه سا می آیی چون مشک خطا نafe گشامی آیی
معلوم شد که از کجا می آیی از تربت آل مصطفی می آیی
(ابن حسام، رباعیات، ش ۹۷)

سلطان ابوالحسن علی موسی آن که هست گلمیخ آستانه او ماه و آفتاب
آن کعبه امید که صندوق مرقدش گردیده پایتخت دعا های مستجاب

۱. جلیلیان مصلحی، مصطفی، در آستان شوق، ص ۲۱

بوی گل محمدی باغ خلق او در چین به باد عطسه دهد مغز مشک ناب
با اسب چوب از آتش دوزخ گذر کن تابوت هر که طوف کند گرد آن جناب

بر عود تربت تو چوشکر بسوختمیم (صائب تبریزی، ۱۳۸۴، قصاید، ش ۴)
از شکر ت بپرس که: این آتش از کجاست؟

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۶، قصاید، ش ۵)
رشک آن گنج دفين کش خاک شهید مدفن است از زمین تا آسمان است آسمان را بر زمین
ای معظم کعبه‌ات را عرش اعظم آستان بر جناب اعظمت ناموس اکبر پاسبان

(محتشم کاشانی، ترکیب بندها، ش ۷)

شیخ بهایی درباره حرم مطهر امام هشتم علیه السلام می‌سراید:

ای خاک درت سرمه ارباب بصارت در تأدیت مدح تو خم پشت عبارت
گرد قدم زائرت از غایت رفعت بر فرق فریدون ننشیند ز حقارت
در روضه تو خیل ملایک ز مهابت گویند به هم مطلب خود را به اشارت
هر صبح که روح القدس آید به طوافت در چشمه خورشید کند غسل زیارت
در حشر به فریاد بهائی برس از لطف کز عمر، نشد حاصل او غیر خسارت

(شیخ بهایی، ۱۳۷۲، ش ۲)

زیارت در ادبیات فارسی

به زیارت رفتن بزرگان، در شعر و نثر فارسی، نمود داشته است؛ برای نمونه عطار در کتاب تذکرة الاولیا به زیارت ابوالقاسم نصرآبادی از قبر حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد: «و گفت: که یک بار به زیارت موسی صلوات الله علیه شدم، از یک یک ذره خاک او می‌شنودم که ارنی ارنی» (عطار، ۱۳۹۳، ذکر ابوالقاسم نصرآبادی).

همچنین گروهی از شاعران عارف، زیارت را آرزوی خویش برمی‌شمرده‌اند. آرزوی رفتن به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در برخی دیوان‌ها، دیده می‌شود.

من که باشم در آن حرم که صبا پرده دار حریم حرمت اوست
بی خیالش مباد منظر چشم زان که این گوشه جای خلوت اوست
(حافظ، ۱۳۸۵، غزلیات، ش ۵۶)

اوحدی در دیوان خود، درباره آرزوی کعبه و زیارت مرقد رسول ﷺ می گوید:
هوس کعبه و آن منزل و آنجاست مرا آرزوی حرم مکه و بطحاست مرا
(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۶، ترکیبات، ش ۱)

اشاره به زیارت برای توبه از گناهان نیز در برخی حکایت‌های شاعران دیده می‌شود؛ برای نمونه جامی در مثنوی هفت اورنگ، حکایت وزیری را آورده که با شنیدن ملامت پیرزنی، وزارت را رها کرده و برای توبه به زیارت حرم شتافته است:

همه اسباب وزارت بگذاشت به حرم راه زیارت برداشت
بود تا بود در آن پاک حریم همچو پاکان به دل پاک مقیم
ای خوش آن جذبه که ناگاه رسد ذوق آن بر دل آگاه رسد
صاحب جذبه ز خود باز رهد وز بد و نیک خرد باز رهد
جای در کعبه امید کند روی در قبله جاوید کند

از دیگر آثار زیارت، مراحل خودشناسی و معرفت، و تحقق آن در زیارت پاکان درگاه حق است این غزل حافظ در این باب قابل تأمل است:

ای پیک راستان خبر یار ما بگو احوال گل به بلبل دستان سرا بگو
مامحرمان خلوت‌انسیم غم‌مخور بایار آشنا سخن آشنا بگو
هر کس که گفت خاکِ در دوست تو تیاست گو این سخن معاینه در چشم ما بگو
گر دیگرت بر آن در دولت گذر بود بعد از ادای خدمت و عرض دُعا بگو
هر چند ما بدیم تو ما را بدان مگیر شاهانه ماجرای گناه گدا بگو
براین فقیر، نامه‌ آن محتشم بخوان با این گدا حکایت آن پادشا بگو

جان پرور است قصه ارباب معرفت رمزی بیا بپرس و حدیثی بیا بگو
حافظ گرت به مجلس او راه می دهند می نوش و ترک زرق ز بهر خدا بگو

(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۴۱۵، ص ۵۶۴)

می گوید: ای قاصد انسان های راست کردار و عاشقان حقیقی، از یار، که همانا خداست، برای ما خبری بگو و ما را با او آشنا کن، و از حال سرچشمه روح با نفس پاک یا همان بلبل نغمه ساز سخن بگو. ما همنشینان خلوت آشنایی هستیم و نامحرم نیستیم. با ما که دوستی و آشنایی خدا پیشه کرده ایم از آن دوست حقیقی بگو. هر که می گوید خاک درگاه مقربان (حرم های اولیا الله) شفاعت بخش است، بگو برای روشنایی چشم های ما و گشودن دریچه های معرفت، آشکارا این سخن را بازگو کند. اگر به آن دولت سرا مشرف شدی، پس از ادای ارادت و سلام رساندن و تقدیم دعا، به گناهان خود اعتراف کن و بخواه که تو را بر آن نگیرد؛ از او بخواه که در محضر باری تعالی برای ما آن گونه درخواست بخشایش کند که در برابر شاهی بزرگوار حکایت فقیری ناچیز را می گویند.

برای ما که از شناخت خود و خدای خود، هیچ نمی دانیم و از گوهر معرفت تهی هستیم، نامه او را بخوان (شاید منظور شاعر همان قرآن و زیارت نامه است) و ما را به اسرار معرفت آشنا کن.

تا این بیت، شاعر توبه در محضر بزرگان، شناخت به وسیله آنان و هدایتگری آنان را به خوبی نمودار کرده است. در بیت بعد آنها را ارباب معرفت و آموزگاران خودشناسی و خداشناسی می داند و از زائری که به حضورشان شرفیاب شده است، می خواهد که در آنجا نکته ها بیاموزد و سخن ها بازگوید. همچنین از او می خواهد، حال که اجازه ورودش را به آن بارگاه داده اند، پیمان های محبت و معرفت برگیرد و ترک ریا و دورویی کند و از زرق و برق دنیا دور شود.

زیارت عاشقانه و از روی معرفت و محبت نیز منظور بسیاری از شاعران است؛ برای نمونه حافظ می‌سراید:

ثواب روزه و حج قبول آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد
(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۱۳۱)

در بخشی دیگر از آثار می‌بینیم که شاعر، زائران را تشویق به زیارت و صبر بر سختی‌های سفر می‌کند:

هر سنگ و خار این راه، سنجاب‌دان و قاقم راه زیارت است این، نه راه گشت بازار
با زائران محرم، شرط است آنکه باشد غسل زیارت ما، از اشک چشم خونبار
(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۱۳۱)

چو هست قرب حقیقی چه غم ز بعد مزار نظر بقربت یارست نی بقرب دیار
چو زائران حرم را وصال روحانی است تفاوتی نکند از دنو و بعد مزار
(حافظ، ۱۳۸۵، غزل ۱۳۱)

بر آیند سخن:

آری شعر ابزار بیان عاطفه و تخیل بشری است و اهمیتش تا بدان جاست که نام سوره‌ای از قرآن کریم به متولیان این امر اختصاص داده شده است (قرآن کریم، سوره شعراء) و در آن به توصیف رفتار و حالات آنان پرداخته شده است. شاعران باایمان از کافران یاوه‌سرا جدا گشته، مدح شده‌اند؛ این استثنا می‌فهمانند که در اسلام شعر و ادبیات و بلکه هر هنری که در راه نشر تعالیم الهی باشد و صلاح و اصلاح را ترویج کند، پسندیده و مورد قبول است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شاعر بزرگ عرب، حسان بن ثابت، می‌فرماید: «لا تزال یا حسان مؤیداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانک» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۳)؛ «ای حسان همیشه از سوی روح القدس تأیید می‌شوی، تا زمانی که با زبانت ما را یاری کنی».

از سویی رمز ماندگاری هنر شاعرانی چون حسان بن ثابت، فرزدق، حمیری، کُمَیت و دَعبل در شعر عرب، و سنایی، حافظ، مولوی، خاقانی، و جامی در شعر فارسی، توجه به مباحثی همچون زیارت و بهره‌مندی از عنایات معصومین علیهم‌السلام و حرم‌های شریف ایشان است. بنابراین ارتباط تنگاتنگی میان جوشش درونی شاعران، ماندگاری آثار، تعالیم اسلامی و معارف الهی وجود دارد و روش مواجهه معصومین علیهم‌السلام را با شاعران ارزش‌مدار، که پاسدار حرمت آل‌الله هستند، بسیار شنیده یا خوانده‌ایم؛ از شاعرانی مثل حسان بن ثابت و دَعبل در ادبیات عرب گرفته تا سنایی غزنوی که به گواهی آثار به جا مانده، اولین چکامه پارسی را در قرن ششم رقم زد، زمانی که اشعار در ستایش اهل بیت علیهم‌السلام توسط شاعران جدی‌تر و بیشتر پیگیری می‌شد، و همچنان نیز این موضوع مورد توجه بسیاری از شاعران معاصر ارزشی و آیینی به شمار می‌رود که حاکی از اهمیت آن است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. ابن حسام، محمد بن حسام‌الدین (۱۳۶۶)، **دیوان محمد بن حسام خوشفی**، رباعیات، تصحیح احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول عن آل الرسول**، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم.
۳. اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین (۱۳۷۶)، **دیوان اشعار**، تهران، نشر پیشرو، چاپ دوم.
۴. باوندیان، علیرضا (۱۳۸۸)، **هنر مفهومی**، شاملو، مشهد.
۵. بوکهارت، تیتوس (۱۳۸۶)، **مبانی هنر اسلامی**، ترجمه و تدوین امیر نصری، تهران، حقیقت.
۶. جامی، عبدالرحمن (۱۳۶۱)، **مثنوی هفت اورنگ**، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران، نشر سعدی.
۷. جلیلیان مصلحی، مصطفی (۱۳۸۹)، **در آستان شوق**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵)، **دیوان غزلیات**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ چهارم.
۹. حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۸۹)، **طیبیان جان**، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی.
۱۰. خواجه‌سوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۷۰)، **غزلیات**، گردآورنده مهدی برهانی و علی بته‌کن، تهران، نشر زوار.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۴)، **ارشاد القلوب**، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم.
۱۳. رکنی یزدی، محمد مهدی (۱۳۷۸)، **شوق دیدار**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، **آشنایی با نقد ادبی**، تهران، نشر سخن، چاپ چهارم.
۱۵. سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۸)، **حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه**، نشر دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

۱۶. سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۵)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران، انتشارات نگاه.
۱۷. شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۷۲)، دیوان شیخ بهایی، به تصحیح علی کاتبی، تهران، نشر چکامه.
۱۸. صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۸۴)، دیوان اشعار، تهران، نشر علم.
۱۹. عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۳)، تذکرة الاولیا، تهران، نشر زوار.
۲۰. غفورزاده، محمدجواد (۱۳۸۱)، کتیبه خورشید، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. فروغی بسطامی، میرزا عباسی، دیوان غزلیات.
۲۲. ماهرالنقش، محمود (۱۳۷۹)، «مسجد، جلوه‌گاه هنر معماری اسلامی»، فصل‌نامه هنر، ش ۴۵، پاییز، ص ۷۹-۸۷.
۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۲۴. محتشم کاشانی، علی بن احمد، دیوان اشعار، تهران، نشر نگاه.
۲۵. مددپور، محمد (۱۳۷۴)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۲۶. موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۰)، درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی، قم، نشر ادیان و انتشارات مدرسه اسلامی هنر.
۲۷. مولوی (۱۳۸۳)، دیوان شمس، مصحح باران مه‌رسا، تهران، نشر شقایق.
۲۸. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۶۳)، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد. آ. نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۹. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۲)، شرف‌نامه (اشرف‌نامه)، مصحح محمدرضا تقی‌فرد، تهران، نشر هم قلم.